

میدون و سوفیا

بهترین پیام‌رسان بابای طرف است!

• من: چرا علاوه‌بر تلگرام، موبایل و تلفن سوفیا را ارزش گرفتی؟

بابای سوفیا: چه پیام‌رسان! مهدی رحمانیان • من: مثلاً چه پیام‌رسانی؟ بابای سوفیا: چه پیام‌رسانی بهتر از خود من؟! هر حرفی داشته باشد که به هر کسی بخواهد بزند، باید اول به خود من بگوید، بعد من اگر صلاح دیدم آن حرف به صلاح من و خودش و جامعه و طرف موردنظرش است، آن را به آن فرد می‌رسانم. در غیر این صورت نه‌تنها صدایی به جایی نمی‌رسد، بلکه ممکن است آن فرد هم از دسترس خارج شود.

قضیه پارازیت

من: چرا ماهواره پارازیت دارد؟ بابای سوفیا: خب، یاد است قبلاً که ماهواره نبود و دستگاه پخش ویدئو بود، وقتی فیلم به صحنه‌های حساس می‌رسید باید چی‌کار می‌کردیم؟ باید سریع می‌زدیم جلو یا اگر دکمه کنترل کار نمی‌کرد، باید توی را با سرعت می‌انداختیم روی تلویزیون که صحنه حساس پخش نشود. الان بد است که جای بتوانداختن روی تلویزیون در داخل خانه، از بالای پشت‌بام روی آنتن پارازیت باشد؟

قضیه فیلتر

من: چرا اینترنت فیلتر دارد؟ بابای سوفیا: تُو واقعا مثل اینکه نمی‌فهمی. پسرم ما وقتی بچه بودیم در یخچال‌ها هم قفل داشت و کلیدش دست مادرمان بود. تازه توی یخچال هیچ چیز مشکوکی نیست و نهایتاً توش دوتا موز کنار چهارتا هلو توی کاسه گذاشته بودند و رابطه نباتی داشتند. بعد تو چطوری توقع داری در اینترنت باز باشد؟ آن هم با این همه تنوع میوه که در بازار هست. تو میدانی الان یک چیزی مد شده به اسم سالاد میوه که توش همه میوه‌ها را پوست می‌کنند و قاطمی می‌کنند و روش سس می‌ریزند؟ می‌دانی الان دستور تهیه شیرموز توی اینترنت هست؟ می‌دانی پای سیب هم به زندگی مردم باز شده؟ سیب زمان ما با داشت که حالا به جایی باز هم بشود؟ می‌دانی توت‌فرنگی را الان می‌گذارند توی کاسه و روی هیکلش خامه می‌ریزند؟ می‌دانی همه اینها توی اینترنت است؟ می‌دانی این چیزها یعنی چی؟ نمی‌فهمی که.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۹۷ • ۲ شعبان ۱۴۳۹ • ۱۹ آوریل ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۲۷ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ • اذان مغرب ۱۹:۵۹ • اذان صبح فردا ۴:۵۶ • طلوع آفتاب ۶:۲۶

روزنامه‌فرو

کار تون خواب

جلال پیرمرز آباد

در حاشیه دیدار مخفیانه رئیس سازمان سیا با رهبر کره شمالی



طرح جمع آوری غذاهای سالم و دست نخورده شما از مجالس و میهمانی‌ها جهت رساندن به افراد بی خانمان و نیازمند شهر تهران شماره تماس ۵۵۷۳۹۹۵۶

پشت تاریخ

مروری کوتاه بر مسیر طولانی دموکراسی

از پدرسالاری تا جباریت

سیاسی و نیل به دموکراسی «حکومت قانون» است که حتی یک دیکتاتور می‌تواند مجری آن باشد. مثال مناسب آن جنبش مشروطیت ایران است. گرچه حکومت دیوانی ایران حتی از زمان ساسانی در حال گذار از استبداد به دیکتاتوری قانونمند بود که در دولت‌های بعد از اسلام تا برسد به صفوی و قاجار نیز ادامه داشت، اما مظفرالدین‌شاه با امضای فرمان مشروطیت و تبعیت از قانون اساسی که سال بعد متممی «در حقوق ملت ایران» نیز بر آن افزوده شد، درواقع سند مالکیت ایران را از شاه ستاند و به ملت داد. چنین تحولی هنوز در سلطنت عربستان رخ نداده است، اما زمان و توسعه فرهنگی این امر را تحمیل خواهد کرد. انقلاب فرانسه نیز چنین بود. بی‌آنکه به‌سرعت به دموکراسی بینجامد، به حکومت قانون انجامید. ناپلئون دیکتاتوری است که خود قانون‌گذاری را نهاده‌ینه کرد و کد ناپلئون موجب تحولی در قانونمندی اروپا و جهان شد. توسعه فرهنگی و صنعتی فرانسه، دموکراسی را ۶۰ سال پس از دیکتاتوری ناپلئون و پس از شکست ناپلئون سوم از بیسمارک، در ۱۸۷۱ در جمهوری سوم برای فرانسه به ارمغان آورد. در ایران نیز نمی‌توان مشروطه را به دلیل یک دورا ن دیکتاتوری بعدی پس از هرج‌ومرج در توهّم آزادی، شکست‌خورده نامید. درواقع همساز دیکتاتوری موجب تحول بزرگی در قانون‌مداری و قانونمندی در ایران بود که راهگشای دموکراسی محسوب می‌شود.

یادبود

به یاد استاد غلامحسین صدری‌افشار

کو دلی کز حکم حق صدپاره نیست

اول: خبر درگذشت استاد صدری‌افشار را دوست ناشرم، آقای داود موسایی داد. صبح زود، همانند پتکی این خبر بر ذهنم نشست. چندساعت بعد که تماس

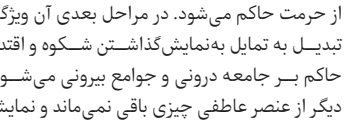
گرفتم، گفتم: روز قبّلش مریض شد. کارش به بیمارستان کشید و آی‌سی‌یو و صبح روز سه‌شنبه دار فانی را وداع گفت؛ مرگی راحت برای مردی که به قول شاملو «قصان گذشت از آستانه اجبار، شادمانه و شاکر». دوم: استاد صدری‌افشار تجسم یک فرهنگی مرد واقعی بود. بی‌ادعا، فروتن، با دانشی وسیع در عمده حوزه‌ها و موضوعات، با پشتکاری مثال‌زدنی، خوش‌قول‌ووعده، کتاب‌خوان و به قول ما کتاب‌باز و هر کتابی که می‌خواند بدون استثنا اگر اعتبار و ارزشی داشت قطعا برایش چیزی می‌نوشت.

میانه‌ها: من از میانه‌های دهه ۷۰ از طریق دوستم، حمیدرضا اسلامی، با استاد صدری‌افشار آشنا شدم و بعدها به تفریق به دفتر کارشان در نزدیکی های خیابان انقلاب (از مسیر آزادی) می‌رفتم تا زمانی که آنها به دفتر اصلی فرهنگ معاصر در جلوی دانشگاه آمدند. اینجا بود که ارتباط گسترده‌تر شد و برخی از زوایای زندگی حرفه‌ای و کاری آن زنده‌یاد پیش چشم ما قرار گرفت. انضباط کاری عجیبی داشت و البته خودش می‌گفت که این انضباط را هنگامی در کار و زندگی‌اش بیشتر به کار بست که ماجرای ترجمه کتاب تاریخ علم سارتنو پیش آمد و به پایان رسید.این کتاب اگرچه به دلیل حجم بالای آن مورد عنایت چندانی قرار نگرفت، اما یک مترجم چیره‌دست حوزه علم را به جامعه فرهنگی ایران معرفی کرد.اما مرحوم صدری‌افشار به سمت فرهنگ‌نگاری کشیده شد و سعی کرد با همراهی همکارانش (نسترن و نسرین حکمی) یک ایده ابتکاری را به کتابی درخور بدل کند که همانا سبب شد تا در سال‌های اولیه کار شسته‌رفته‌تر جلو برود.

انجام: کتاب فرهنگ فارسی معاصر (ویرایش دوم) را که آقای موسایی چندماه قبل برایم ارسال کرده بود، پیش‌رویم گذاشته‌ام؛ فرهنگی که برآمده از آثار و نوشته‌های چند دهه گذشته ایران است و به همین دلیل آن را ابتدا فرهنگ امروز و بعدها فرهنگ معاصر نام نهاد. مهم‌ترین ویژگی این فرهنگ، تعریف دقیق هر کلمه است؛ نکته‌ای که تا پیش از او سابقه نداشته که در فرهنگ فارسی به تعریف واژه بپردازند. به دنبال برخی واژه‌ها هستیم که با ویژگی‌های اخلاقی و کاری و رفتاری استاد صدری‌افشار

سنخیتی تام‌وتمام دارد. شما هم یا ما بخوانید؛ **فروتن:** (صفت برخوردار از فروتنی) خردمند؛ دارای توانایی برای اندیشیدن به صورتی منطقی / خوددار؛ دارای عادت یا کاریش به خودداری، خویش‌نثار

یادش گرمی باد که کتابی درخور نام خود به مجموعه ادبیات کهن و جدید تالار اصلی اضافه کرده است.



فریدون مجلسی

ریشه تشکیل حکومت جدا از اقتضای طبیعت و زندگی جمعی انسان‌ها نیست. نخستین واحد اجتماعی خانواده است. گرچه دوران‌های زن‌سالاری به دلیل مزیت‌های ویژه زنانه نیز وجود داشته، اما مرد به دلیل قدرت بدنی بیشتر که حمایت و حفاظت فیزیکی از خانواده را تضمین می‌کرده، سلطه بیشتری داشته است. این سلطه حمایت‌آمیز بیشتر بر پایه عاطفی قرار دارد و وقتی خانواده گسترش می‌یابد، سلطه حمایت‌آمیز پدربزرگ در دامنه‌ای گسترده‌تر از حرمتی نیز برخوردار می‌شود. در ادامه وقتی سلطه به ریاست بر طایفه و عشیره و ایل بدل می‌شود، تدریجا شکلی نهاده‌ینه پیدا می‌کند و از رنگ عاطفی پدرانه آن کاسته می‌شود. گرچه هنوز حمایت از طایفه و عشیره و ایل در برابر مدعیان برعهده رئیس است، اما ادعای رئیس مسلط به حرمتی ویژه برای خودش در درون جامعه‌اش نیز افزوده می‌شود و برای آن حمایت نهاده‌ینه‌شده بهایی می‌طلبد که شامل قضاوت؛ یعنی حکم‌دادن در امور مختلف در میان افراد تحت سلطه و به‌عبارت دیگر حکمرانی نیز هست. به‌این‌ترتیب کاخ و نوع زندگی حاکم و توقع بهره‌مندی‌اش از مزایای ویژه، نوعی حق و نشانه‌ای

دختران انتظار

در آرزوی تماشای فوتبال

معلم زبان است و در شهر خودش ش ناخته‌شده. ازدواج نکرده و ۳۲ ساله است. زندگی روزانه خاص خودش را دارد و استقلال مالی و درآمدش از خیلی از زن‌ها و دخترهای هم‌سن‌وسال خودش بهتر است!

وقتی درباره آرزویش می‌پرسم، شرط می‌گذارد به او نخندم. قول می‌دهم و او با لبخندی شروع می‌کند: «بچه سوم یک خانواده سه‌فرزندی هستم با دو برادر؛ یکی کوچک‌تر و یکی بزرگ‌تر که هر سه به‌شدت سرسپرده و عاشق بازی فوتبالیم و هرکدام هم تیم موردعلاقه خودمان را داریم. تفاوتش این است که من بازی تیم موردعلاقه‌ام را در خانه می‌بینم و آنها از مدت‌ها قبل نقشه می‌چینند و بلیت می‌خرند و ذوقش را می‌کنند. شاید باورت نشود، اما بزرگ‌ترین آرزوی من همین است، همین.»

منتظرم ادامه دهد و او می‌گوید: «من مثل خیلی از دخترهای مجرد در آرزوی ازدواج یا مادرشدن نیستم یا مثلاً پولدارشدن یا دور دنیا را دیدن؛ نه، من واقعا آرزو دارم تا وقتی هنوز جوانم بتوانم بازی تیم موردعلاقه‌ام را در استادیوم ورزشی با هزاران نفر طرفدار دیگر ببینم، همبای آنها فریاد بکشم و شادی خودم را با جمع شریک شوم!»

مکثی می‌کند و می‌پرسد: «خنده‌دار نبود؟» جواب می‌دهم: «نه اصلاً! به نظر من هم که طرفدار فوتبال نیستم آرزوی مهمی است و حتی من هم دوست دارم این اتفاق را تجربه کنم!»

با هیجان توضیح می‌دهد: «اما خیلی فرق می‌کند وقتی طرفدار دوآتشه تیمی باشی و دو برادر فوتبالی هم در خانه داشته باشی و مجبور باشی هم‌زمان وقتی آنها در استادیوم هستند، جلوی صفحه تلویزیون خانه بنشیني و تنهایی شادی کنی و تنهایی نگران باشی!»

امیدوار می‌گویم: «می‌شود، بالاخره می‌شود» و او تلخ می‌پرسد: «کی؟» جاخورده می‌گویم: «نمی‌دانم! دیر و زود دارد، اما حس می‌کنم شدنی است.»

تکرار می‌کند که آرزو دارد تا هنوز جوان است بتواند برود و بازی تیم موردعلاقه‌اش را در ورزشگاه ببیند.

نگاهش می‌کنم که با موهای کوتاه و چشم‌های پرنفوذش سعی می‌کند تفاوت برآورده‌شدن آرزویش در جوانی یا پیری را برایم تفهیم کند و من پیرزنی با موهای کوتاه جوگندمی را در ذهنم تصویر می‌کنم که وسط یک استادیوم ورزشی نشسته و دارد بیشتر از فوتبال به هیاهوی جوانان اطرافش نگاه می‌کند!



بهاره رهنما

مراقب حریم خصوصی خود باشید

تایم: این‌روزها بحث حریم خصوصی در فضای مجازی به‌شدت مطرح است. در یکی از آخرین مقالات دراین‌باره بر عدم انتشار سه مدرک شخصی تاکید شده است؛ سه مدرکی که می‌تواند سبب افشای اسرار هرکسی شود.

۱. گواهی‌نامه رانندگی: برخی از کاربران ممکن است وسوسه شوند که اولین گواهی‌نامه رانندگی خود را در رسانه‌های اجتماعی بفرستند تا خوشحالی خود را با دیگران سهیم شوند. بااین‌حال، کارت شناسایی معتبر مانند گواهی‌نامه رانندگی شامل تاریخ تولد، عکس و سایر اطلاعات شناسایی شخصی شما می‌شود که دزدان می‌توانند کپی کنند. درواقع با انتشار آن به سادگی هویت خود را با دیگران سهیم شده‌اید.

۲. برنامه سفر و محل سکونت: بسیاری از افراد تصاویر جالبی را از تعطیلات سرگرم‌کننده خود در مکان‌های عجیب‌وغریب منتشر می‌کنند، اما به‌عنوان توصیه هرگز قبل از اینکه در آنجا حاضر شوید در هیچ شبکه اجتماعی‌ای اطلاعات مربوط به گشت‌وگذار خود را منتشر نکنید، چراکه دزدان بالقوه می‌دانند که شما برای چه مدت‌زمانی از خانه بیرون می‌آیید و می‌توانند از غیبت شما آگاه شوند و

۸۰ ثانیه

اگر در گذشته هم مکانی از منزل یا عکسی از منزل خود را منتشر کرده باشید فرصتی را برای دزدی فراهم می‌کنید.

۳. اطلاعات حساب بانکی

ارسال هرگونه اطلاعات مالی در فضای عمومی می‌تواند تقلب و سرقت را افزایش دهد.

مفهوم قدرت اراده



دویست وهشتادوششمین سه‌هین‌م‌ص‌ب پژوهی اجتماعی، به «مفهوم قدرت اراده» می‌پردازد.

سخنران این برنامه دکتر «آذرخش مکرری»، عضو کمیته بهداشت روان و

اعتیاد وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، است. این سمینار امروز از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۱:۳۰ صبح در سالن کنفرانس بیمارستان ایرانمهر برگزار می‌شود. ورود برای عموم آزاد است.

اولین «بازخورد» می‌آید

اولین شماره مجله «بازخورد» در حوزه تخصصی ارتباطات، به‌صاحب امتیاز ی‌و



مدیرمسئول مجله ارکان زاده‌یزدی هفته آینده منتشر می‌شود.

«بازخورد» در اولین سرمقاله‌خودنوشته است «ایر-مجله» تلاش می‌کند از منظری انتقادی نگاهی بیندازد

به جنبه‌های مختلف ارتباطات در داخل ایران و در عرصه جهانی، به ارتباط مردم و مخاطبان با رسانه‌ها و به شیوه‌های استفاده نهادهای قدرتمند از رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی برای پیشبرد مقاصد خود. بازخورد سعی می‌کند نوری بیفکند بر خوش‌بینی‌ها و بدبینی‌های مغرطی که در این مسیر مطرح می‌شوند».
تیترو عکس جلد اولین شماره ۱۲۰ صفحه‌ای «بازخورد» درباره نظارت در عصر دیجیتال است. به محمداقتان فیس‌ب‌وک و کنارآمدن صداوسیما با تلویزیون‌های اینترنتی از دیگر موضوعات مهم این شماره است. در اولین نسخه این مجله، گفت‌وگوی اودا ر‌اسنودن با دانیل السیرگ چاپ شده است که داستانش اخیرا موضوع فیلم «پست» استیون اسپیلبرگ هم بود.